

حکایت همراهی ۱۰۰ نفر از فعالان هیئت جان نثاران موسی بن جعفر (ع)
برای تهیه غذای ظهر اربعین

۲۰ هزار عزادار پای یک سفره

۳



عکس: نرجس شاکری / شهر آرا

خدمت‌رسانی به زائران با تمام قوا

شهردار منطقه ثامن از به‌کارگیری حداکثری نیروها و تجهیزات خدمات شهری منطقه در دهه آخر صفر خبر داد.
حسین عبدا...زاده درباره نیروی انسانی فعال در این روزها گفت: در مسیرهای منتهی به حرم مطهر و نقاط پرتردد، کارگران رفت و روب به صورت مستمر فعال هستند و پاکبان‌ها در این نقاط حساس به صورت ویژه به خدمات نظافتی می‌پردازند. همچنین هفتاد نفر نیروی رفع سد معبر با هدف تسهیل عبور و مرور زائران و جلوگیری از ایجاد اختلال در مسیرهای پیاده‌رو مستقر هستند. او به تجهیزات و ماشین‌آلات به‌کارگرفته شده اشاره کرد و افزود: باهدف ارتقای جلوه‌های بصری شهر و حفظ کرامت مراسم عزاداری و جلوگیری از ایجاد ترافیک، سه محل برای انباشت زباله مشخص کردیم که در طول روز خودروهای زباله تردد نکنند. زباله‌ها از این محل‌ها در ساعت ۲۳ جمع‌آوری می‌شوند.



شهر خبر



مسجد امام حسن مجتبی (ع)
با مشارکت مردم مرمت شد
مسجدی خردو با خاطراتی بزرگ

کشاوری قدیمی محله پایین خیابان
خاطرات ورود قطار و ساخت ایستگاه را به یاد دارد
ماجرای عجیب سقف راه‌آهن

مسجد امام حسن مجتبی (ع) با مشارکت مردم مرمت شد

مسجدی خردو با خاطراتی بزرگ



مکان نما

حمام ها، آب انبارها، بازارها و تیمچه ها که هر کدام بخشی از حافظه تاریخی و شهری مشهد را در دل خود دارند.

یکی از چالش های مهم در مرمت این مسجد، وجود یک لایه ضخیم از سیمان بر نمای بیرونی آن بود؛ مسئله ای که متأسفانه در بسیاری از بناهای تاریخی مشهد به چشم می خورد. گواهی توضیح می دهد: در سال های متمادی، سیمان کاری روی قسمت خارجی بنا، باعث پوشیده شدن نمای اصلی آن شده بود، اما با پاک سازی این پوسته سیمانی، اصالت آجری و سنتی بنا دوباره در معرض دید قرار گرفت. با توجه به اینکه این مسجد هنوز به صورت زیربنایی و سازه ای مرمت نشده، یکی دیگر از نکات تأکیدی گواهی، اهمیت مرمت سازه ای بناست. اومی گوید: در احیای بنا نباید به ظاهر اکتفا کرد. بخش هایی مانند تیرهای سقف یاد یواره های پشتی بنا نیازمند آسیب شناسی دقیق و بازسازی اصولی هستند. زیرا این امکان وجود دارد که بنا در برابر حوادثی مانند زلزله یا بارش های سنگین، دچار آسیب شود. در صورت بروز چنین مشکلاتی، زحماتی که برای مرمت ظاهری انجام شده است نیز تحت تأثیر قرار می گیرد.

● مکتب بافت، پیشران بازآفرینی

پروژه مرمت مسجد امام حسن (ع) عیدگاه با همراهی مکتب بافت صورت گرفته که نهادی واسطه و پیشران میان مردم و دولت در احیا و بازآفرینی فرهنگ مبنای بافت تاریخی مشهد است. مجتبی گیوه چی، مدیر مکتب بافت، اهمیت مرمت این مسجد را این طور بیان می کند: این مسجد دومین مسجد خردوی تاریخی بود که مکتب بافت دست به مرمت آن زد و همه اش با مشارکت مردم صورت گرفت و نهادی دولتی در مرمت آن دخیل نبود. نکته مهم در مرمت این مسجد، تدوین و الگوسازی برای احیای بیش از بیست مسجد خردوی بازارش تاریخی مشهد است.

محل ورهگذاران است. به رغم وجود مساجد بزرگ در نزدیکی آن، استقبال از این مسجد بسیار زیاد است. زیرا مسجدی در دسترس، آرام و ریشه دار برای بازاریان و زائران است.

امیرحسین اسماعیلی، مشاور معماری این پروژه، مسجد امام حسن (ع) را در زمره اندک مساجد خردوی باقی مانده در مشهد می داند که همچنان کاربری خود را حفظ کرده و با مشارکت و مراقبت مردم از گزند تخریب هادر امان مانده است.

● پاک سازی سیمان، کشف هویت

هدایت گواهی، ناظر عالی پروژه مرمت مسجد امام حسن (ع)، می گوید: یکی از نکات مهم این پروژه، مشارکت مردمی در مرمت بنا بود. مردم نه فقط در مسائل مالی، بلکه در انجام مطالعات میدانی و مستندنگاری نیز در کنار تیم مرمت بودند.

از دید او، اهمیت پروژه فقط در مرمت کالبدی مسجد نیست، بلکه در تجربه ای مشارکتی و بومی نهفته است که می تواند الگویی برای مرمت دیگر فضاهای عام المنفعه در شهر باشد؛ بناهایی مانند

سکینه تاجی ادر دل عیدگاه محله پایین خیابان و در همسایگی یکی از مسیرهای پررفت و آمد منتهی به حرم رضوی، مسجدی کوچک اما ریشه دار دوباره جان گرفته است. مسجد امام حسن مجتبی (ع)، بنایی متعلق به بیش از یک قرن پیش، به کوشش مردم و همراهی متخصصان حوزه مرمت و معماری، سیمای تاریخی خود را باز یافته و در مسیر احیای قرار گرفته است.

این مسجد یکی از مساجد «خردو» یا همان مساجد کوچک بافت تاریخی مشهد است؛ بناهایی کمتر از پنجاه مترمربع که در عین سادگی، حاوی هویتی عمیق و جمعی هستند که با معماری، خاطره، عبادت و حضور پیوسته مردم معنا یافته است.

● مشارکت مردمی، الگویی برای احیای هویت

محمد مشکینی فر یکی از کاسبان خوش نام بازار رضا، نزدیک به دو سال است یکی از کلید داران مسجد امام حسن (ع) شده است. «پدرم از اولین کاسبان بازار رضا بود و حالا من هم در راه او قدم گذاشته ام. اینجا مسجدی ساده و شاید در ظاهر گمنام بود، اما همواره برای ما کسبه جایگاه و احترام ویژه ای داشت. من هم به واسطه علاقه شخصی ام به میراث فرهنگی و بناهای سنتی شهر و هم به دلیل شأن مذهبی این مسجد که نزد بازاریان محترم است، پیگیر مرمت و احیای آن بودم.»

مشکینی فر که از روزهای ابتدایی نوسازی نمای مسجد در کنار تیم مرمت حضور داشته است، می گوید: از زمان تصمیم گیری برای آغاز کار تا مرحله اجرا، تلاش کردم واسطه ای باشم میان اهالی بازار و گروه مرمت و کمک های مردمی را به دست اندرکاران پروژه برسانم. خوشبختانه امروز این مسجد چهره ای درخور یافته و همچنان محل عبادت و حضور اهالی



کشاوری قدیمی محله پایین خیابان، خاطرات ورود قطار و ساخت ایستگاه را به یاد دارد

ماجرای عجیب سقف راه آهن



صندوق خاطرات



● سقف را روی تلی از خاک ساختند

او که پسر بزرگ خانواده بوده و خاطرات همراهی با پدرش را در ذهن حک کرده است، می گوید: پدرم کارگر بود و برای ساختن ایستگاه راه آهن روزی پنج ریال مزد می گرفت. من هم همراهش می رفتم. سنی نداشتم و فقط برای بازی می رفتم. روی خاک و شن و ماسه سر می خوردم و می دیدیم که چطور کارگرها دیوار و سقف ایستگاه بزرگ را می سازند.

غدیری موقعی را به یاد می آورد که سقف ایستگاه را ساختند؛ آن هم نه مانند بناهای امروزی که کف و دیوار و سقف به راحتی شکل می گیرد؛ به شیوه ای سخت، اما ماندگار. تعریف می کند: اول کلی بتن ریختند کف ایستگاه و بعد هم دیوارها را ساختند. برای ساختن سقف مجبور بودند همه ساختمان را بپوشانند. یادم است تلی از خاک ریختند و کوبیدند و بعد سقف را روی خاک ها بنا کردند. وقتی کامل ساخته شد، بایبل و فرغون خاک های کوبیده شده را خالی کردند و سقف سر جایش ماند. برای ما خیلی عجیب بود که این سقف بزرگ چطور آن بالا مانده است.

با اینکه هفتاد سال را گذرانده است، هنوز خاطرات کودکی، بازی پشت دیوار «بهره»، همراهی با پدر و کار روی زمین های کشاورزی آن طرف دیوار را خوب به خاطر دارد.

این دروازه هارد می شدند. از روی دیوار خم می شدیم تا آن ها را ببینیم.

هر طرف را نگاه می کند، خاطره ای یادش می آید. با خنده می گوید: اولین بار که صدای سوت ترن را شنیدم، از ترس پریدم زیر چادر مادرم. با جزئیات تعریف می کند که آن روز بهاری چطور با کنجکاوگی گوشه چادر مادر را کنار می زد تا ترن باری سیاه را ببیند که صدای سوتش هنوز در گوشش است. می گوید: وقتی ایستگاه را می ساختند، نمی دانستیم قرار است چه چیزی از آن رد شود. مردم به قطار می گفتند ترن. آن واگن های سیاه ترسناک برایم خیلی عجیب و ناشناخته بود. بعد که ترسمان کم شد، گاهی می رفتم روی ریل های منشیستیم تا لرزش قطار را وقتی از دور می آید، حس کنیم.

موسوی رحمانی از وقتی چشم باز کرده، در پایین خیابان زندگی می کرده است و هنوز هم همین محله را برای زندگی دوست دارد. حسین غدیری، آن زمان که شهرک های شهید رجایی و شهید باهنر پر بود از باغ و زمین زراعی و چاه آب، یک عمر روی زمین های کشاورزی مردم کار کرده و این روزها دلخوشی اش تعریف کردن خاطرات قدیمی برای جوان ترهایی است که دوست دارند از گذشته محله شان بدانند. در میان خاطرات تلخ و شیرینش، خاطره سوت ترن را که بارها برای همسایه ها تعریف کرده است، بیشتر دوست دارد. چون یاد چادر مادرش می افتد که پناه ترس های کودکی اش بوده است.

● اولین واگن، مخصوص حمل بار بود

صحبت از سن و سال که می شود، می خندد و می گوید: خیلی عمر کرده ام. همه چیز را به یاد دارم. از وقتی اینجاد یوار بهره بود و پشتش کلی زمین کشاورزی و قبرستان و این طرفش گاوداری، همه را به یاد دارم.

به زمین های سمت پارک و وحدت اشاره می کند و می گوید: یک چاه موتور بود و کوره آجرپزی. کلی باغ میوه بود و زمین که بعضی هادر آن خشکاش می کاشتند. این صدمتری پشت دیوار شهر بود که چهار تا دروازه داشت و چهار تا برج دید بانی. با بچه های محله می آمدیم روی دیوار پهن می نشستیم و ساعت ها بازی می کردیم. وقتی نیروهای سواره و پیاده ژاندارم ها از



می مانیم تا وقتی که عکسمان برود کنج دیوار مسجد

برنج و لپه و پیاز و رب و روغن از ۱۰ روز پیش خریده شده و هشتصد کیلو گوشت گوساله هم سفارش داده شده است. از یک هفته پیش، اهالی محله بدون دعوت و اعلام قبلی می دانند که همه باید به مسجد بروند و یک گوشه از کار را بگیرند. هر روز که به مسجد بروید، عده ای نشسته اند و مشغول اند. وقتی قرار است چهارصد کیلو پیاز پوست کنده و خرد شود، از بچه چهار ساله تا پیر مرد نود ساله دور تا دور مسجد می نشینند و پیاز پوست می کنند و آشک می ریزند.

حاج حسین صباغ، یکی از بزرگان مسجد، نوه ها و برادرزاده هایش را آورده است برای کمک. پسرش هم مسئول تدارکات مسجد است و هر چه کم باشد، به او می گویند. با خنده می گوید: هر کس پایش به این مسجد باز شود، نمی تواند کمک نکند و برود. همین شوهر خواهر ما، حاج محمود او شایبی، باز نشسته آستان قدس است و آمده بود به ماسری بزند که آورد یمش مسجد تا پیاز پوست بکند.

حاج آقای او شایبی با کار بزرگی که در دست دارد، پوست پیاز را قلفتی می کند و می گوید: این ایام که می شود، همه می آیند کمک. ولی نمی دانستم امروز پوست کردن پیاز است! به قصد پاک کردن برنج و لپه آمدم. همه می خندند و بعد صدای صلوات قضا را می کنند. حاج مهدی صارم که یکی از سر آشپزهای اصلی هیئت است، می گوید: کار سنگین است و دست کم صد نفر از اهالی محل برای آماده کردن مواد اولیه کمک می کنند. در سه آشپزخانه، دیگر ها را برای می گذاریم و مسئولیت یکی از آشپزخانه ها با من است. حدود بیست آشپز هم کمک دستان هستند.

صارم، جوانی را که دارد برای ناهار ظهر، عدس پلو درست می کند، بادست نشان می دهد و می گوید: آشپزها هم از بچه های هیئت هستند؛ مانند همین مهدی آقارانی که از بچگی کنار دست خود مان در هیئت آشپز شد. او به عکس هایی که روی دیوار جا خوش کرده اند، اشاره می کند و حرفش را این طور ادامه می دهد: هر کس پایش به اینجا باز شد، تا آخر عمر نمی رود؛ تا وقتی که عکسش بنشیند کنج دیوار مسجد، کنار آن هایی که رفته اند؛ پدرها و پدربزرگ ها پیمان که سنت سفره داری را در مسجد راه انداخته اند. آخر این مسجد سندش دانگ دارد به نام خود مان. اوقافی نیست که کسی بیاید و بر ایمان تعیین تکلیف کند. همه هزینه های ناهار اربعین هم با اهالی محل و اعضای هیئت است.

بچه هیئتی های سفره امام حسین (ع)

امیر حسین شهری، نوجوان یازده ساله ای که پیاز بزرگی را در دست گرفته است، آشک های گوشه چشمش را با پشت دست پاک می کند و می گوید: بزرگ ترها نذر می کنند که پول بگذارند و کمک کنند، ولی نذر اصلی برای کمک کردن است. هر کس حاجت دارد، می آید اینجا پیاز پوست می کند و لپه پاک می کند و گوشت تکه می کند و حاجت می گیرد. شما هم بیایید کمک!

امیر مهدی، برادر امیر حسین، با کیسه بزرگ پیاز از زیر زمین بالای آید و می گوید: ما هم بخش پشتیبانی هستیم. همه کار که پیاز پوست کردن نیست. آقا چچی که یکی از آشپزهای هیئت است، با گوشه چشم اشاره ای به پسرانش می کند که شیرین زبانی نکنند و کارشان را انجام دهند. حاج آقا صارم می گوید: اینجا بچه ها کنار پیرمرد ها می نشینند و کار می کنند. چرا؟ چون به آن ها بها می دهیم، مسئولیت می دهیم، می گذاریم همین جادر هیئت رشد کنند و هیئتی بار بیایند. این آقا امیر حسین شهری هم از مداحان هیئت ماست که دارد خوب راه می افتد.

تمرین مسئولیت پذیری

بچه های یکی سر صحبت و شوخی شان باز می شود. امیر حسین به یکی از دوستانش اشاره می کند و می گوید: محمدرضا جعفری را از مدرسه آوردیم اینجا. رفته بود برای ثبت نام. هر یک ساعت یک پیاز پوست می کند. جعفری پیاز و کاردر بالایی می گیرد و می گوید: من چوب دار علم هستم. از من کارهای سخت بخواهید. این طور کارها از دستم نمی آید.

حاج سید احمد حسینی، از بزرگان هیئت دار محله، با مهربانی می گوید: کار برای سفره امام حسین (ع)، کمش هم ثواب دارد با با جان.

محمد مهدی نوه حاج آقا صباغ است و همه دوستانش را به هیئت دعوت می کند تا بیایند و در برکات این سفره سهیم شوند. او می گوید: چند تا از بچه ها سال اولی است که می آیند کمک. امیر حسین چه کندی اهل رضائیه است و تازه با هیئت ما آشنا شده. قرار است از این به بعد شب های پنجشنبه برای جلسات هفتگی بیاید هیئت.

حاجت یک سال را می گیریم و می رویم

دوروز بعد نوبت تکه کردن گوشت هاست که هم تخصص بیشتری می خواهد و هم باید در زمان کمتری انجام شود. به همین دلیل مسجد حسابی شلوغ شده است و آشپزهای بیشتری برای نظارت حضور دارند. محسن صباغ، پسر حاج آقای صباغ، مسئول تدارکات است و هر چند دقیقه یک بار می آید و سری می زند تا کم و کسری نباشد. می گوید: این یک هفته ای که کار زیاد است، همین جاتوی مسجد چای و ناهار و شام آماده می کنیم تا همسایه ها مجبور نباشند به خانه بروند و بمانند همین جا و کارها را زودتر تمام کنند. بعضی هم محله ای ها که از اینجا رفته اند، این روزها می آیند کمک و گاهی که کارها طولانی می شود، شب در مسجد می مانند. این ها همه کار دلی است.

وقتی صحبت از کار دلی و حاجت گرفتن از این سفره می شود، مهدی ربانی می گوید: اینجا هیچ کس حساب نمی کند که چه کسی بیشتر کار کرد و چه کسی کمتر. بعضی ها هم کارشان مشخص است، مانند عبد... قصاب که شب اربعین می آید و بایک آب گردون شب تا صبح برنج آبکش می کند و صبح می رود تا سال بعد. ما حاجت یک سالمان را از این سفره می گیریم.

صبح تا عصر روز اربعین، یکی شربت می ریزد و دیگری سینی به دست عطش عزاداران حسینی را بر طرف می کند. جوانی ظرف های غذا را بسته بندی می کند و مرد میان سالی ظرف ها را توزیع می کند. اینجا همه خالصانه کار می کنند و مزد چندین روز زحمتشان را فقط از صاحب این روزها می خواهند. اعضای هیئت متحده موسی بن جعفر (ع) فقط عاقبت به خیری می خواهند و با همین نیت بعد از توزیع غذا به سوی حرم مطهر امام رضا (ع) رهسپار می شوند.

حکایت همراهی ۱۰۰ نفر از فعالان

هیئت جان نثاران موسی بن جعفر (ع)

برای تهیه غذای ظهر اربعین

۲۰ هزار عزادار پای یک سفره

نجمه موسوی کاهانی صبح اربعین هر سال، حدود ساعت ۱۰، در محله پایین خیابان، از وحدت ۱۳ دسته دسته هیئت ها علم به دوش راه می افتند به سمت حرم و عزاداری می کنند. ظهر که می شود، هر هیئتی به سمت مسجد محله خودش می رود و ناهار را مهمان هیئت جان نثاران موسی بن جعفر (ع) می شود که پیش از رسیدن هیئت ها، دیگر پلو قیقه را فرستاده اند و ظرف های غذا را مهیا کرده اند. رسم امروز و دیروز نیست: نقل ۳۵ سال پیش است که سفره داری در مسجد را از پدرانشان یاد گرفته اند و به پسرانشان هم یاد می دهند. میزبانی از ۲۰ هزار عزادار در روز اربعین، روزها تلاش و تدارکات قوی و برنامه ریزی شده می خواهد که اهالی محله پایین خیابان طی سال ها سفره داری در مسجد، آن را یاد گرفته اند.





بالا خیابان، پایین خیابان

محلات منطقه‌ها



بازخورد

بایگیری شهرآرامحله، وعده شهرداری برای گذر تشریف عیدگاه تحقق یافت

پایان فاز دوم

نجمه موسوی ادرگزارشی که چهارم مرداد درباره طولانی شدن پروژه گذر تشریف عیدگاه تهیه کردیم. رئیس اداره عمران و حمل و نقل از پایان فاز دوم پروژه پیش از اربعین حسینی خبر داد؛ قوی که کسبه عیدگاه باتوجه به وسعت پروژه، به آن خوش بین نبودند. هم‌زمان با ایام چهل‌سالار شهیدان و دهه پایانی ماه صفر که بیشترین ورود زائر به مشهد را شاهد هستیم، به عیدگاه سری زدیم. رئیس اداره عمران و حمل و نقل که در این بازدید با ما همراه شد، گفت: این پروژه با هدف ارتقای زیرساخت‌های شهری و تسهیل تردد زائران حرم مطهر رضوی اجرا شد و فاز دوم آن اکنون آماده بهره‌برداری است. محمد حسین باغدار با اظهار خرسندی از رضایت کسبه، افزود: به موازات این پروژه، عملیات آسفالت ریزی محور شوشتری ۷ نیز به طور کامل به پایان رسید. این مسیرها اکنون با سطحی ایمن و استاندارد در اختیار شهروندان و زائران قرار گرفته‌اند.



موسوی منطقه ثامن این روزها میزبان تعداد بی‌شمار زائرانی است که به پایوس امام رضا^(ع) مشرف می‌شوند. به گفته معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ثامن، در راستای ارتقای سطح خدمات رسانی به زائران و مجاوران در دهه آخر صفر، اداره خدمات شهری این منطقه در یکی از محل‌های اسکان، تجهیزات بهداشتی و رفاهی را مستقر کرده است.

کامران توتونچی بیان کرد: به منظور رفاه زائران، سه دستگاه کانکس سرویس بهداشتی و دو دستگاه کانکس حمام در خیابان شهدای حج ۳ نصب و راه‌اندازی شده است.

او با تأکید بر حضور بیست و چهار ساعته نیروهای خدمات شهری، افزود: عملیات جمع‌آوری و پاک‌سازی خاک چاه در محدوده شهدای حج ۳ به کوشش نیروهای خدمات شهری انجام شد. این اقدام با هدف پاک‌سازی محیط و آماده‌سازی فضا برای استفاده عمومی در ایام پرشور عزاداری صورت گرفت.



معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ثامن از خدمات شهرداری در دهه آخر صفر می‌گوید

تقویت زیرساخت‌های بهداشتی

ون‌های حمل مسافر در ورودی‌های حرم آماده خدمت به زائران هستند

کوتاه‌ترین سفر عاشقانه

موسوی-اسحاقی ادر همه ورودی‌های حرم مطهر امام رضا^(ع) ون‌هایی برای حمل زائران وجود دارد. بازارستان آیت‌... واعظ طبسی یکی از مسیرهایی است که این خودروها در ایستگاه‌ها حضور دارند و زائرانی را که پای پیاده رفتن ندارند یا از پیاده روی طولانی در اطراف حرم خسته شده‌اند، از خیابان آیت‌... خزعلی تا ورودی صحن غدیر می‌برند. درست جلوی ایستگاهی که زائران پیاده می‌شوند، خادمانی با صندلی چرخ دار منتظر ایستاده‌اند تا آن‌هایی را که توان راه رفتن در صحن‌ها ندارند، در ادامه مسیر زیارت با ویلچر حمل کنند.



محمد نعمتی که بازنشسته نیروی هوایی ارتش است و هفته‌ای یک بار برای عرض ارادت به امام رضا^(ع) و خدمت به زائران هفت ساعت در این مسیر رانندگی می‌کند، برای زائران اشعاری را می‌خواند که پیش از رسیدن به حرم دلشان را به امام مهربانی‌ها متصل کند.

خانواده برآهویی برای دهه آخر صفر، از سیستم و بلوچستان با اتوبوس خودشان را به مشهد رسانده‌اند و در مسافرخانه‌ای نه‌چندان نزدیک اقامت کرده‌اند. بچه‌ها از مسافرخانه تا حرم پیاده آمده‌اند و با دیدن ون‌های زائران به سمت آن‌ها می‌دوند.



زائران امام رضا^(ع) دم‌راغنیمت می‌دانند و نمی‌گذارند لحظه‌ای از دستشان برود. صدای مداحی یکی از زائران که گویا تازه از کربلا برگشته است و هنوز صدایش سوز فراق دارد، لحظات انتظار رسیدن ون را در این گرمای تابستان کوتاه می‌کند.